

سوما، دختر 3 ساله افغان نامزد شد

اگر ازین دخترک در باره نامزادی او سوال کنید، به طرف فامیل خود نگاه میکند و یا اینکه با لباس خامک دوزی خود مصروف بوده و جواب نمیدهد.

سوما از شرم یا حجب خاموش نمیباشد، بلکه او در سن «سه» سالگی در عین زمانیکه از کلمه نامزد و نامزادی چیزی نمی فهمد، با پسر عمه خود فهمید که سه سال از سوماي مظلوم بزرگ تراست، نامزد گردیده.

باوجود کوشش دولت و سازمان های حقوق بشر، در افغانستان اکثرا اطفال در سنين بسیار خرد به عنف به عقد نکاح و ازدواج در آورده میشوند، علی الخصوص در ولایات و مناطق دور دست این رسم مروج بوده و حتی قبل از تولد طفل معصوم، وعده ازدواج وی مطرح میگردد.

درمورد ازدواج دختران افغان درخردسالی، مسئله اقتصادی فوق العاده دارای اهمیت میباشد، چنانچه حتی در نامزد کردن يك دختر در سنين بسیار پائين هم پول زیادی تقاضا میگردد که باید به فامیل وی پرداخته شود.

نامزادی سوماي سه ساله، تحفه پدر وی به خواهرش میباشد، چنانچه که در افغانستان ازدواج بين فامیل بسیار مروج بوده و اکثرا با دختر کاکا، پسر ماما، دختر خاله... و به همین ترتیب نامزادی ها و عروسی ها به عمل می آید.

سوماي کوچک به زودی به منزل نامزد خود زندگی نوی را دور از والدین آغاز خواهد نمود و بدین صورت تحت کنترل و تربیه خاص عمه جان «خشو» بزرگ میگردد. سوما قرار است در سن چهارده سالگی رسماً ازدواج نماید.

نظر به قانون اساسی افغانستان، دخترها باید بعد از سن شانزده و پسرها بعد از هیجده سالگی ازدواج نمایند، ولی بدبختانه در افغانستان اضافه تر از ۴۵ فیصد دختران و اطفال خردسال به سنين کمتر از سن قانونی به عقد نکاح در آورده میشوند.

برعکس مسئله زندگی سوما و فهمید، در افغانستان دختر و پسر حتی در شب عروسی برای اولین بار همدیگر را می بینند.

آیا این نوع ازدواج ها خوشبختی می آورد؟ نخیر! دیده میشود که اکثرامرد با گرفتن زن دوم، سوم و چهارم، حق زن افغان را کاملاً پامال مینماید!

اگر دختری که با پسری نامزد گشته، ازو یکبار جداشود، عمل وی ویا فامیلش باعث جنگ و جدال فراوانی زیر نام ننگ و ناموس گردیده و مشکلات زیادی را بار می آورد.

مادرو فامیل سوماو فهمید کاملاً معتقد هستند که آینده این دو طفل کاملاً درخشان بوده و خوشبختی آنها حتمی است !!



نگاهی به نکاح و ازدواج صغیره در افغانستان

مضمون ترجمه محترم آقای نبیل عزیزی صرف برای جامعه بین المللی عجیب و غیر قابل باور بوده و در عین زمان اسباب نا امیدی و ناکامی موسسات حقوق بشر را که در افغانستان فعال میباشند، فراهم مینماید، وگر نه ما افغان ها به هرنوع نکاح صغیره که مغایر قوانین اساسی افغانستان صورت میگیرد، کاملاً بلد و آشنا بوده ایم. باینکه نقش قانون در قسمت تعیین سن ازدواج دختر افغان کاملاً روشن و صریح است، ولی امکانات تطبیق مواد قانون، همیشه نقشی بوده برآب!! در مورد اعمال مواد قانون و جلوگیری از نکاح صغیره و شناسائی مردم درین راه باید تصریح نمود که بعد از توشیح قانون اساسی ۱۳۴۳ در دهه دیموکراسی، اقدامات جدی در تطبیق مواد آن درین زمینه، بصورت نسبی صورت گرفت، چنانچه حکومت وقت با ایجاد سیمینارها، مجالس، بیانیه ها و نشر مضامین به زبان ساده و عام فهم در ولایات، ولسوالی ها و دهات، در مورد اضرار جسمی و روحی نکاح صغیره و جنبه غیر مذهبی و غیر قانونی آن، سهم گرفته و نشرات رادیو درین مورد، گام اساسی و ارزنده ای را بر عهده گرفت. قسمت مهمی در پروگرام های انکشاف دهات به مسئله جلوگیری از نکاح صغیره اختصاص یافت و تشکیلات اجتماعی بی رسمی چون موسسه نسوان «*» در کابل و ولایات عملاً درین راه گام های مفیدی برای روشن سازی اذهان مردم برداشتند.

ولی امروز بعد از چهار دهه، تراژدی نکاح اجباری طفل اناث افغان به اشکال مختلفه ماورای مواد قانون اساسی، پرنسیب های حقوق بشر و کلیه اساسات انسانی ممکنه صورت میگیرد که شاید قضیه نامزادی سومای سه ساله شکل انسانی تراز آنچه بر بقیه ختران خردسال ما میگذرد، باشد..

درین ولایت دختر خردسال افغان به عوض فرض دهقان به عمال مواد مخدره تحویل گردیده و از حلقه خانواده ناپدید میگردد... در آن ولایت طفل اناث يك فامیل در بدل مواسی به فروش میرسد... در ولایت دیگری دختر شش ساله در بدل جرم پدر تحویل فامیل اجنبی ای میگردد که او را به کار های غیر اخلاقی و غیر انسانی وادار مینماید. این مظلومان خردسال در سرای ظالمان از خدا بیخبر، به حیث زن «چندم» به سرنوشت سیاه تحمیلی خویش با مرگ تدریجی دست به گریبان میگردند و ناله خاموشانه شان هرگز شنونده ای ندارد..

در مورد اجرای نکاح غیر قانونی دختران افغان، موسسات حقوق بشر در افغانستان راپور های رقت بار و درد آوری را منتشر مینمایند که مرگ و میر مادران خردسال و اطفال آنان قسمتی از آنها تشکیل میدهد. باری با یکی از وزیران بر حال حکومت فعلی افغانستان در باره اقدامات دولتی در مورد جلوگیری از خشونت بر زنان و علی الخصوص ممانعت بر جبر ازدواج صغیره بر دختران افغان سوالاتی را مطرح نمودم، ایشان با بی حوصلگی پاسخ دادند که با کار های زیادی «!» که دولت افغانستان باید سر دست بگیرد، توجه به مسائل مربوط به زنان و اطفال «فعلاً» دارای اهمیت اولیه «!» نمیباشد!!!

«*» در سال های شصت میلادی اکثراً در مجالسی که برای تعمیم احکام قانون اساسی و تطبیق جلوگیری از نکاح صغیره در موسسه نسوان دائر میگردید، اینجانب هم شرکت نموده و تلاش پیگیر زنان منور افغان را درین راه ستوده ام .